

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

سخنرانی اخیر اشرف پهلوی بعنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره حقوق بشر پیش از آنکه خشم برانگیزد انسان را بعصرت وامیدارد . زیرا این سخنرانی همه مرزهای گساختی و واژوناسازی و فریبکاری را شکسته و از آنها فراتر رفته است . اشرف در این جلسه شکنجه را محکوم نمود و گفت : « شکنجه غیر قابل توجیه و محکوم شدنی است » او اضافه کرد : هیئت من بدین منظور

گستاخی و سالوسی شکنجه گران

و با چنین اندیشه های امسال مشترکا با کشور سوئد طرح دو قطب نامه بسیار مهم را در این زمینه تهیه و ارائه داد . تهیه طرح قطب نامه ای علیه شکنجه از جانب رژیم که شکنجه و ابداء جسمی و روحی زندانیان سیاسی را از سالها پیش بآئین حکومت بدل ننوده ، نامی جز

و با چنین اندیشه های امسال مشترکا با کشور سوئد طرح دو قطب نامه بسیار مهم را در این زمینه تهیه و ارائه داد . تهیه طرح قطب نامه ای علیه شکنجه از جانب رژیم که شکنجه و ابداء جسمی و روحی زندانیان سیاسی را از سالها پیش بآئین حکومت بدل ننوده ، نامی جز

سفر تسلیم و رسوائی

دیندار شاه در روز های ۲۴ و ۲۵ آبان از امریکا بین سفر او به ایالات متحده و هفتمین دیدار با مختلف جمهوری امریکا بود . همه دیدار های گذشته شاه از امریکا سفرهای آمیز بوده . اما بدون شك سفر اخیر در این معیار تر و متمایز تر از همه سفر های قبلی است . شاه با یک انبان امتیاز و پیش کش به نزد کاخ سفید شتافت . نه تنها تسلیم طلبی در این ، بلکه حتی حرف آن برای زمامداری که ن روی از استقلال بمشامش رسیده باشد ننگ و

بینیم شاه برای سفر به نزد اوربا چه پیش می تدارك دیده بود . قبل از همه شاه برای جلب کس نظامی - صنعتی فهرست تازه ای از خریدن تسلیح اسلحه با خود به امریکا برد . این فهرست همزمان ۲۵۰ هواپیمای شکاری « اف - ۱۸ » ، هواپیمای شکاری - بمباردها « اف - ۱۶ » ، هواپیمای حمل و نقل نظامی ۳ هواپیمای گران بوشینگ - ۷۰۷ : ی - ۳ ، میگز به سیستم نیکی پیشگیری و نظارت هوایی ، ۶ کشتی گشتی و متاخر دیگر خرید اسلحه را در بر . تخمین های اولیه حاکیست که قیمت این به نرخ امروز حد اقل بین ۷ تا ۸ میلیارد دلار خواهد داشت . پیش کشی دیگر شاه برای امریکا ، وعده باز ن بیشتر بازار ایران برای کالا و سرمایه امریکایی نتی قبل از سفر شاه به امریکا مطبوعات تهران

عقب گرد ننگین شاه از موضع ، نه فقط دفاع از افزایش قیمتهای نفت (که عملا چنین موضعی وجود نداشته) ، بلکه از موضع ناظر و مشاهده گر مبارزات او یک پیش کش دیگری بود که شاه به نزد کارتر برد . شاه از مدت ها قبل برای این تسلیم تدارك دیده بود . اعلام رسمی تغییر موضع در مسئله قیمت نفت در کاخ سفید معنی اش این بود که شاه پیش از آنکه در کاخ سفید بخواهد افتاده باشد از امپریالیسم امریکا حرف شنوی دارد . کلیدین بیشتر انبان پیش کشی های شاه در سفر واشنگتن ضرورت ندارد . محصل کلام اینست که شاه نه فقط با قصد و نیت تسلیم ذخایر و درآمد نفت ، باز گذاشتن بیشتر دست امپریالیسم غارتگر امریکا در امور اقتصادی - نظامی و سیاسی ایران دنباله در صفحه ۲

رهنمود های « اعلیحضرت »

در ضدیت

با قانون اساسی

داریوش همایون وزیر اطلاعات و جهانگردی در اجرای دستورات شاه برای برقراری نوع جدیدی از سالوسی ، مطبوعات ، طرح زیر را تهیه و برای تصویب نزد آموزگار فرستاده است :

جناب آقای جمشید آموزگار نخست وزیر ! در اجرای رهنمودهای شاهنشاه آریامهر و بمنظور پایان دادن سیاست مطبوعاتی دولت مذاکراتی با مسئولان مطبوعات بعمل آمده است . اصول زیر نتیجه آن مذاکرات است که در صورت تصویب آن جناب اجرا خواهد کردید . الف - سالوس : ۱ - وزارت اطلاعات و جهانگردی در مسئله سالوس مطبوعات وظیفه دار سیاستگذاری ، رهنمائی ، روشنگری ، نظارت و مرحله آخر مجازات متخلفین است . وزارت باید مطبوعات را روشنی در جریان هدفها و سیاستها و مصالح کشور قرار دهد و از آنها بخواهد که خود را در اختیار این هدفها و سیاستها و مصالح بگمارد . ۲ - سالوس مطبوعات بعنوان بررسی مطالب آنها پیش از چاپ در شان این دوران نیست ، باید خود مطبوعات مسئول سالوس خود باشند . یعنی سیاستهای دولت را که برایشان تشریح شده است اجرا کنند . وزارت اطلاعات و جهانگردی بجای آنکه اجازت چاپ مطبوعات را بدهد باید خط مشی ها را برایشان روشن سازد و آنگاه مطالب چاپ شده را با توجه به خط مشی ها ارزیابی کند . ۳ - و اگر سرد بیران و نویسندگان مطبوعات خط مشی های را که برایشان تعیین شده است رعایت نکنند و با انتشار مطالب خلاف آنها پوزان بخودشان مسئولند . اما اگر وزارت اطلاعات و جهانگردی در توضیح مطالب و دادن خط مشی ها غفلت کرده باشد و مطالب خلافی در مطبوعات انتشار یابد ، طبعاً مسئولیت متوجه وزارت خواهد بود . ۴ - در صورتیکه يك نشریه مطالب خلاف خط مشی های تعیین و ابلاغ شده انتشار دهد ممکنست موضوع مجازاتهای مانند قطع موقت آگهی های دولتی ، سالوس مطالب پیش از انتشار نشریه جلوگیری از ادامه خدمت سرد بیران نویسنده خطا کار بطور موقت یادا هم شود . سالوس بعنوان کیفر تنها در باره نشریه خطا کار اجرا خواهد شد و به بقیه روزنامه ها و مجلات تسری نخواهد یافت . در غیر اینصورت مجازات مفهوم خود را از دست خواهد داد . ۵ - خط مشی های که برای سرد بیران و نویسندگان مطبوعات تعیین شده به شرح پیوست است . البته ممکن است در مواقع خاص نکته های دیگری بر این ضوابط افزوده شود ولی بطور کلی مطبوعات خارج از این خط مشی ها آزادند خبرها و مطالب خود را انتشار دهند و انتقادات خود و مردم را منعکس سازند . وزارت اطلاعات و جهانگردی مسئولیت حفظ سازمانهای دولتی را در برابر انتقادات مطبوعات - بشرط اینکه در چهارچوب خط مشی تعیین شده صورت گیرد از خود سلب نمیکند و در اینگونه موارد سازمانها باید از حق پاسخ استفاده کنند . ب - سیاست اطلاعاتی : ۱ - مسئولیتی که دولت در حفظ مصالح ملی و روشن کردن افکار عمومی و گسترش اطلاعات از مطبوعات میخواهد با آسان

دنباله در صفحه ۲

کانون نویسندگان ایران

به موج جدید ترور

شدیداً اعتراض میکند

سرکوب فعالیت های دانشجویی و غیر دانشجویی بشدت به صورت سیاست هر روزی دولت در آمده است . پلیس که پیش از این با او نفوذ رسمی به کمک زند و مجروح کردن مردم مبارز میکرد ، اکنون به لباس شخصی یا چوب و زنجیر آهنی بنام هواداران رژیم بهانه مبارزه با « بیگانه پرستان » به جان مردم می افتد .

روز دوشنبه که بیش از پنجاه نفر برای شنیدن سخنرانی در دانشگاه آریامهر گرد آمده بودند ، بدینگونه سرکوب شدند و جمعی کثیر زخمی و زندانی شدند . در روز سه شنبه نیز جمعی دیگر که برای برگزاری جشن عید قربان در باغی گرد آمده بودند ، وسیله عده کیفری از مأموران پلیس در لباس شخصی بعنوان « کارگران میهن پرست » مورد حمله قرار گرفتند و بسیاری پیر و جوان مجروح و زخمی شدند .

بنا بر این بهجودی برای کسی تأمین در ایران امروز نیست و همه گونه فعالیت های عادی و دمکراتیک از مردم ایران سلب شده است و اعتصاب سراسری دانشگاهها ادامه دارد .

کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن تمام این توطئه ها بعلت نبودن تأمین جانی برای عموم با قبول خطر همین اظهار نظر کوتاه ، از مصاحبه تقصیبی خودداری میکند .

تهران - کانون نویسندگان ایران
جمعه ۴ آذر ۱۳۵۶

مردم : ما به یورشهای وحشیانه جدید رژیم نیروهای ملی و مبارز شدت معترضیم . کماندو های شاه و اوباشان ساواک طی يك هفته چهار بار به اجتماع مسالمت آمیز مبارزان دانشگاهی و غیر دانشگاهی با چوب و چاق و زنجیر حمله برده و عده زیادی را بشدت مضروب و مجروح کرده اند ، که حال بسیاری از آنان وخیم است . از جمله کسانی که شدیداً مضروب شده اند ، باید از آقایان بهندس حسین داریوش فروهر (چهار شکستگی در سر که منجر به ۱۱ بخیه شده) ، دکتر بهمنیار (شکستگی در پا و بازو و دست چپ) ، عبدالکریم انوار عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری (شکستگی پا) ، هدایت متین دفتری (شکستن پا) نام برد . هم اکنون همه دانشگاههای کشور در اعتصاب اند . رژیم ، سینه شاه بیجهت تصور میکند با حیل و دلاانه جدید ، یعنی اعزام کماندوها و مأموران ساواک تحت عنوان « کارگران میهن پرست » !! برای سرکوب آزادیخواهان ، میتواند افکار عمومی ایران و جهان را که به رژیم اختناق شدیداً معترض اند بفریبد . نیرو های ملی و مترقی باید به توطئه جدید رژیم با تحکیم صفوف خود و تشکیل جبهه وسیع ضد دیکتاتوری پاسخ گویند .

روزنامه پراودا در بارۀ نتایج

سفر شاه به امریکا

شاه ایران طی يك مصاحبه مطبوعاتی در باز گشت از مسافرت به ایالات متحده امریکا دربارۀ اظهار داشت ، در اجلاس آینده سازمان کشور های صادر کننده نفت (اوپک) که در نیویورک در کاراکس تشکیل خواهد شد ، ایران پیشهاد خواهد کرد که بهای کنونی نفت برای مدت یکسال را کد بماند . موضوعی که ایران در این مورد اتخاذ نموده ، پاسخگوی منافع ایالات متحده امریکا است که بمنظور جلوگیری از افزایش مجدد بهای نفت از هیچگونه اعمال فشار بر کشور های عضو اوپک فروگذار نمیکند .

بطوریکه معلوم است در دیدار اخیر شاه از ایالات متحده امریکا ، بوی اطمینان داده شده است ، که صدور تسلیحات امریکائی بهمتیاس وسیع به ایران ادامه خواهد یافت . روزنامه پراودا در همین خبر خاطرنشان میکند که کارلوس آندرس ، رئیس جمهور ونزوئلا در مورد افزایش بهای نفت میزبان ۵ تا ۸ درصد از جانب کشورهای عضو اوپک اظهار نظر کرده است .

خبر گرانها همچنین خبر میدهند در حالیکه عربستان سعودی در مسئله مربوط به بهای نفت از موضع ایران پشتیبانی میکند ، اندوازی عدم موافقت خود را با موضع این دو کشور در مورد بهای نفت ابراز داشته است .

نش در برابر تجاوزکار و

رب در وحدت خلقهای

کشور های عربی

مسافرت انور سادات رئیس جمهور مصر ، به و دیدار و مذاکرات با زمامداران اسرائیل در رب خشم و اعتراض همگانی را برانگیخت . ۴ اعتراض علیه این دیدار در همه کشور های ظاهرات و میتینگ های تشکیل یافت . سازمان عادی ای و دیگر سازمان های اجتماعی عراق ، لبنان ، سوریه و دیگر کشور های عربی این ا بمقابله اقدامی متغیر با منافع خلقهای عرب و تسلیم در برابر تجاوزکار و تأمین منافع امپریالیسم نزدیک ازبانی و محکوم میکنند .

اقدام انور سادات به دیدار و مذاکره با زمامداران که همچنان در حفظ سرزمینهای اشغالی کشور یی و عدم شناسایی حقوق عادلانه خلق عرب ، اضرار میوزد ، نقطه اوج اقدامات تسلیم طلبانه و کی از چند سال پیش آغاز کرده است . های زوجانه سادات با زمامداران اسرائیل ، سیاست در های باز و لغو دستور های مترقی و رستانه جمهوری عربی مصر که در دوران زمامداری جمهور فقید جمال عبدالناصر حاصل شده بود ، اقداماتی است که سادات را به تسلیم طلبی آشکار ن تجاوزکار و حامیان امپریالیستی آن کشاند . ماتم در عین حال ضربه سنگینی است که

دنباله در صفحه ۲

گستاخی و سالوسی شکنجه گران

فاشیستی در مورد مخالفان خویش است، نامش دغلکاری است. آیا این همه شهیدان زیر شکنجه، این همه پنهانی شلاق خورده، ناخن هلی کشیده شده، سروصورت ضرب دیده، پاهای منفلوج، دستهای از کار افتاده، پشتهای و پاهای کباب شده، چشمها و گوشهای میوب که محصول سالهای سال شکنجه گری مأموران فرمایشی و بی تنگ و عار سازمان امنیت شاه است، گواه محکومیت این رژیم رژیم شکنجه گریست؟ آیا پیروزی حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و دهها زن و مرد مبارز و مقاوم در شکنجه گلهای اوین و کمیته بهداشت ترسیدند؟ رژیمی که مرتکب این همه جنایات فجیع شده و میشود آیا حق دارد بجای شرساری در برابر افکار عمومی جهان و پاسخگوئی در دادگاه جامعه بعنوان متهم، گستاخانه در مقام اندرزگری برآید و مبتکر طرح محکومیت شکنجه شود؟

اشرف که میدانند جهانیان از خصلت فاشیستی رژیم مستبد ایران بخوبی آگاه اند و نعل وارونه او بی اثر است، مذبحخانه و انمود میکنند که اگر هم شکنجهای در کار بوده، بدون اطلاع مقامات دولتی بوده است. او میگوید: «پرسی وقایع و تجربه بدون شک بما نشان میدهد که رفتارهایی چنین نا شایست، معمولاً بلسان عوامل صورت گرفته و مقامات دولتی از آن بی اطلاع میباشند! معلوم نیست اشرف پهلوی این دروغ بزرگ را که با اقرار گوناگون برادر تاجدارش در تضاد است چگونه توجیه میکند. مگر چند سال پیش شاه در برابر پرسشهای مکرر نمایندگان مطبوعات جهان لا علاج بوجود شکنجه اعتراف نکرد؟ و نه تنها بوجود شکنجه جسمی، بلکه از اشکال «مردنر» شکنجه، یعنی وجود شکنجه روحی سخن نگفت؟ امروزه نه تنها «زندان کمیته» و «اطلاق تمشیت» و «جاق برقی و اتاق فوتبال و شوک الکتریکی شکنجه گران» ساواک یک سلسله مفاهیم و مقولات مشهور خاص و عام اند، بلکه بخش فراوان صحنه و فریاد مبارزان شکنجه دیده در زندانهای مخوف، ایذاء و اذیت خانواده زندانیان و حتی کودکان خردسال در برابر چشم آنان، نمایش اعدام متهم - که در بلور پاک نژاد عمل کردند - از سیاق همان شکنجههای روحی است که «اعلیحضرت» بان اعتراف کرده است. باید از اشرف پهلوی پرسید چه کسی دستور داد تا مأموران زندان روی کریم پورشرازی مدیر روزنامه شورش نفت بزنند و او را زنده زنده بسوزانند. مگر دستور مستقیم شما، خاتم باصلاح رئیس هیئت نمایندگان ایران نبود که موجب این حادثه فجیع شد؟ مگر برادر تاجدار شما اعتراف نکرد که با تلافی قرح تا ساعت یک پس از نیمه شب در کاخ سلطنتی پیدار مانده، تا مهندس منصوری متهم بشرکت در واقعه تیراندازی را بکاخ آوردهاند؟ چه ضرورتی ایجاب میکرد که این ملاقات در ساعات پس از نیمه شب انجام گیرد؟ آیا این شکنجههای آتشی جلدان ساواک نبود تا متهم را آماده برای اقرار نموده و سپس نرزشه بیاورند؟ در همین اواخر شاه ضمن مسافرت به آمریکا در مصاحبههای که «جیمز یونگر» خبرنگار روزنامه «شیکاگو تریبون» و «جکسون» رئیس اداره آن نشریه در لندن با او نمودند، در پاسخ این سؤال که آیا شکنجه در ایران وجود دارد گفت: «از یکسال پیش نوع جدیدی از شکنجهای اعمال نمیشود» اقرار صریح، باینکه حداقل تا یکسال پیش شکنجه زندانیان سیاسی معمول بوده و شاه از آن اطلاع داشته، آیا فروغیگور بیش از پیش آبرورفته نمیکند؟ تازمه همین اعلی شاه دروغ است. زیرا هم اکنون منابع گوناگون داخلی و خارجی وجود شکنجه را تصریح میکنند. مجله اکونومیست لندن در شماره ۲۵ نوامبر ۱۹۷۷ نوشته است: «شاه میگوید که زندانیان سیاسی او از لحاظ تعداد کاهش یافتهاند، ولی باید گفت برای کسانی که باقی ماندهاند شکنجه و سؤ رفتار امری عادی است». تلویزیون آلمان فدرال در یکی از برنامههای خود در هفته اخیر، از ایران خرومره کشورهای نام برد که در آنها شکنجه اعمال میشود. نامه‌ای که اخیراً آقای علی اصغر حاج سید جواد، انتشار داده است، بصراحت بوجود و ادامه شکنجه در حال حاضر تأکید میکند.

نمایندگان دانشجویان جهان
سیاست نظامیگری رژیم ایران را
محکوم کردند

دوازدهمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان که از تاریخ ۳ تا ۱۰ آبان ۱۳۵۶ (۲۵ اکتبر - اول نوامبر ۱۹۷۷) در شهر صوفیه پایتخت بلغارستان تشکیل بود، از جمله قطعنامه‌هایی در باره خاور میانه و آسیا صادر نمود که در هر دو سیاست نظامیگری رژیم ایران محکوم شده است. ضمناً کنگره بیکار مردم و دانشجویان ایران را تاجیل نمود.

در قطعنامه خاور میانه گفته میشود: «کنگره ... همدستی رژیم های ارتجاعی ایران، عربستان سعودی و اردن را در درهم شکستن انقلاب عمان برهبری «جبهه ملی آزادی عمان» و عقیم ساختن بیکار آزادی بخش مردم عمان علیه سیستم فئودالی آن کشور را محکوم میکند». «سلاحهای معتابه و مدرنی که به رژیم های ارتجاعی و هوادار امپریالیسم منطقه، بویژه اسرائیل و ایران، واگذار میشود ازحد حقوق مشروع دفاعی این کشورها بی متجاوز است و هدف آن اخلال ثبات منطقه و مبارزه کارشکنانه با دستاورد های ترقی خواهانه جنبش آزادیبخش عرب است».

در قطعنامه آسیا گفته میشود: «کنگره ... بیکار مردم و دانشجویان ایران را علیه اختناق و برای آزادیهای دمکراتیک می ستاید». «کنگره پیمانهایی نظمی «ستو» و «آزوسی» قرار داد های دفاعی ژاپن، ایالات متحده، کوشش برای تبدیل «آستان» به پیمان نظامی، انباشت متعصبانه جنگ افزار های امریکائی در ایران و دیگر کشور های آسیا و پانگهائی نظامی امپریالیستی در آسیا را که صلح، امنیت و حاکمیت بسیاری از کشورهای آسیا را مورد مخاطره قرار میدهد، محکوم میکند».

سفر تسلیم و رسوائی

بامریکا رفت، بلکه جنون بی اعتنائی به وضع حال و آینده امنیت کشور ما را وثیقه جلب حمایت آمریکا از مواضع مترازل استبداد سلطنتی قرار داد. موافقت با دخالت در اختلافات حبشه و سومالی که یک توطئه آشکار علیه همه خلقهای افریقا و قبل از همه علیه رهائی خلق حبشه از ظلم و اسارت امپریالیسم و ارتجاع است. به معنی دیگری نمیتواند تلقی شود. روزنامه ها پس از بازگشت شاه از آمریکا خبر میدهند که دولت ایران ارسال سلاحهای سنگین به سومالی را با استفاده از دالان هوایی عربستان سعودی آغاز کرده است.

شاه ذخایر نفت ما و درآمد آن را دو دستی تسلیم امپریالیسم آمریکا میکند، آنچه را ما به امید امروز و فردای کشور در نیل به رهائی از قتر و عقب ماندگی اقتصادی است بتراج میهد. ایراب غارتگر امریکائی خود را به غارت بیشتر اقتصاد ایران و تسلط وسیعتر نظامی تشویق و توثیب میکند. امنیت حال و آتی کشور ما را نیز به تبع از تاملات استراتژیکی نظامی امپریالیسم در معرض خطر قرار میدهد. براساسی نه مردم ایران این جنایات را فراموش میکنند و نه جهانیان. سرانجام روزی خواهد رسید که هم آمرین شکنجه و هم مجریان شکنجه بکینو جنایات خود برسند. هر قدر هم که اجامر و اوایش چماق بدست شاه این روزها در خیابانهای تهران نمره بکشند و جلوی شاه «گوبان» مردم آزاده را با ضرب و شتم علناً شکنجه دهند، باز هم باطمینان باید گفت که این رژیم تبهکار جاوید نیست.

مینو

رهنمود های «اعلیحضرت» ...

کردن جریان اطلاعات در کشور ملازمه دارد. اگر سازمانهای دولتی مطبوعات را با خبرها و مطالب خود تنذیه کنند آنها کمتر به دنبال مطالب خلاف واقع یا جنجال برانگیز خواهند رفت و اصلاح و بهبود کیفیت کار آنها بوزارت اطلاعات و جهانگردی بسیار آسانتر خواهد شد. نیاز مطبوعات (البته مطبوعات غیر شخصی و حرفه‌ای) به خبرهای دولتی حتی بیش از نیاز آنها به آگهیهای دولتی است. باید این نیاز را به سود مطبوعات و سازمانهای دولتی و جامعه بطور کلی برآورد. دولت در انجام وظیفه روشنگری خود باید مطالب و خبرهایش را هر چه بیشتر در اختیار مطبوعات قرار دهد.

۲- هر چند مسئولان دولتی نباید در مصاحبههای مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی افراط کنند و بویژه باید از دادن وعده پرهیزند، ولی این امر نباید با اسماک از دادن خبر و اطلاع اشتباه شود. خبر و اطلاع حق مردم است و بسود دستگاههای دولتی هم هست.

۳- ادارات روابط عمومی وزارتخانهها باید تقویت شوند و در جریان کارها قرار گیرند. نقش روابط عمومی تنها دادن بختنامههای سازمان مربوطه به مطبوعات نیست. روش کنونی که سمت رئیس روابط عمومی معمولاً جانی گرفته نمیشود و دستگاه روابط عمومی زائده‌ای بر سازمان اداری است در بیشتر سازمانها نیاز بشغیر دارد.

۴- وزیران و روسای سازمانها گاهی بهتر است وقت خود را به نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بدهند و در جلسات توجیهی که مطالب آن لزوماً انتشار نخواهد یافت شرکت جویند. همچنین از معاونان و همکاران مسئول خود بخواهند که راسا مطالبی را در اختیار مطبوعات قرار دهند. حسن رابطه سازمانهای دولتی با مطبوعات نه تنها بخود آن سازمانها، بلکه به سیاستهای کلی دولت کمک خواهد کرد.

۵- در مواردی که مطبوعات مطالب خلاف مینویسند توضیح لازم به آنها داده شود. وزارت اطلاعات و جهانگردی مسئول رعایت حق پاسخ از سوی مطبوعات است. امید است با رعایت این سیاستها مطبوعات بتوانند سهم واقعی خود را در توسعه سیاسی واجتماعی و اقتصادی ایران ادا کنند.

با احترام - داریوش همایون
وزیر اطلاعات و جهانگردی

این همه خیانتها برای چیست؟ چرا شاه بیش از پیش به تسلیم و رسوائی بیشتر در برابر امپریالیسم رومآورد؟ پاسخ این سؤالات را باید در پیشینه امر، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در تسلیمهای پی در پی شاه در برابر امپریالیسم و بالاخره در منفرد شدن کامل رژیم او در جامعه ایران جستجو کرد. شاه با تکیه بر استبداد سلطنتی، با استقرار خشونت پارتی تریت ترور پلیسی، با سرکوب کامل آزادیهای دمکراتیک همه طبقات وسیع زحمتکش و افشار مترقی و ملی جامعه را در تنگنا و فشار قرار داده است. شاه همه ثروتهای زیرزمینی، نیروی انسانی و امکانات مالی ایران را بتراج امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکاداده و فلاکتبارترین وضع ممکن را برای اقتصاد مملکت اعم از کشاورزی، صنعت و کار و زندگی مردم فراهم آورده. شاه با سیاست ضد ملی و ضد خلقی خود جامعه ایران را در اسارت قرون وسطائی، محرومیت از آزادی، استقلال و ترقی نگاه داشته و به معنی واقعی کلمه ملت را عاصی کرده است.

در این شرایط و در حالیکه شیخ طرد و سرنگونی بیش از پیش سراغ رژیم میآید، شاهچاهای ندارد جز آنکه به تنها حامی خود امپریالیسم امریکا متوسل شود و برای جلب حمایت آن با وثیقه قراردادن استقلال ایران راهی واشنگتن شود. توشه چنین سفر تنگینی جز تسلیم کامل و نتیجه آن جز رسوائی بیشتر چه چیزی میتواند باشد؟ کارتر «مدافع» حقوق بشر که همه خواستههای ضد بشری امپریالیسم امریکا را در مورد ایران برآورده می بیند، البته باید دست مرحمت بسر شاه بکشد و وعده اولویت دفاع از رژیم دست نشانده را تکرار نماید. اما هم کارتر و هم شاه در دومیداندن که این وعده ها بدون پشتوانه است، هیچ نیروئی قادر نیست از پیروزی مبارزه مردم ایران در راه آزادی و استقلال جلوگیری کند.

م. جهان

کرش در برابر تجاوز کار و

از جانب رژیم کنونی مصر بر جبهه واحد کشور عربی در مقابل تجاوز کاری اسرائیل و تضعیف جبه امپریالیستی خلفهای عرب وارد آمده است. سادات به دیدار و مذاکره با زمامداران اسر اعتراض و عدم رضایت سران اکثریت کشورهای روبرو شد و شخصیت های دولتی خود مصر نیز موافقت خود را با این اقدام ابراز داشتند. اما قهری معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه ما نشانه اعتراض علیه این دیدار از قلم خود استه و در استقامت خود خاطرنشان نمود که وی نه با خط مشی سیاسی کنونی زمامداران مصر موافقت و در مسئولیت اجرای آن شریک باشد. محمد نیز که بجای وی به این سمت منصوب گردید قبول این مطلب امتناع نمود.

حزب بعث عراق و هیئت نمایندگی نیرو ملی و میهن پرست لبنان طی اعلامیه ای دیداریه از اسرائیل را محکوم کرده و آنرا بمثابة آف خطرناک و خیانت بمنافع ملی خلقهای عرب ار میکنند. در این اعلامیه ذکر شده است که این بمنزله پیشروی هر چه بیشتر در راه تسلیم طلبان است که رژیم کنونی مصر به پیروی از نقشه امپریالیسم و در نوبت اول امپریالیسم امریکا و در هلی ارتجاعی منطقه پیش گرفته است.

نظرات سیاسی به این مطلب توجه دارند اقدام تسلیم طلبانه سادات در مقابل اسرائیل در زمانی صورت گرفت که اسرائیل عملیات ت کارانه علیه کشور عربی همسایه خود، لبنان را کرده و میکوشد سازمان آزادیبخش فلسطین را کند.

شورای وزیران الجزیره طی اعلامیه ای در دیدار انور سادات از اسرائیل خاطرنشان میکند، سادات از اسرائیل اقدامی است در سمت ایجاد تق در میان خلقهای عرب و خدمت بدشمنان این خل تشکیل جلسه مشوره کشورهای الجزیره و لیبی و جنوبی و سوریه و سازمان مقاومت فلسطین بدینمنه خود نشانه آمنت که در مقابل سیاست تسلیم ط انور سادات جبهه مقاومت وسیعی در میان کشور سازمانهای عربی در حال بوجود آمدن است.

از سوی دیگر این دیدار با نظر تأیید و خرسندی دولت ایالات متحده امریکا و مخالف صهیونی روبرو گردید. سخنگوی کاخ سفید در واشنگتن اظهار داشت که کارتر رئیس جمهور ایالات متحده امریکا دیدار سادات از اسرائیل را یک دیدار تاریک نامیده است. بطوریکه روزنامه های امریکائی میدهند حتی در یکی از کلیساهای واشنگتن مراسم عبادت و دعا برای موفقیت میسیون سادات برپا شد کارتر نیز شخصاً در آن مراسم شرکت نمود و تسلیه غرب مقام کارتر را تا «موسی که شط نیل را شکافت بالا بردند. در آستانه این دیدار دولت امریکا هائی بکار برد تا دول اروپائی غربی متحد خود را وادار کند که پشتیبانی خود را از دیدار و مذاکره سادات با زمامداران اسرائیل اعلام دارند.

بدین ترتیب دیگر جلی هیچگونه ترد نیست که متعبر این دیدار دولت امریکا و صهیونیستی هستند و این خود مؤید آمنت که دیدار برای خلقهای کشور های عربی و حل عاذ مسئله خاور نزدیک نمیتواند دارای پی آمد ملی باشد. زیرا مسلم است که مسئله خاور نزدیک از تسلیم طلبی و گشت در برابر تجاوز کار و حامیان امپریالیستی آن و تقرب در وحدت جبهه خلقهای کشور های عربی که قربانی تجاوز کاری هستند، نمیتواند حل و فصل شود. راه حل واقعی و عادلانه این من در آزادی تمام سرزمینهای اشغالی کشورهای عربی و جانب اسرائیل و شناسایی و تحقق پذیرفتن حقوق خلق عرب فلسطین و تشکیل دولت مستقل ملی خلق است. همه نیرو های ترقیخواه کشورهای ع چنین راه حلی را قابل قبول میدانند و کشور سوسیالیستی و همه نیرو های ترقیخواه جهان از راه حل حمایت و پشتیبانی میکنند.

ق. پیروز